

شرق

روزنامه

خانواده‌های ایرانی با سیاه‌پوش‌کردن خاندن‌ها به استقبال محرم می‌روند. عکس: فاطمه عالی، مهر



روایت

درنگی بر احیای سنت ضد زن «فصل و خون‌بس»

تحقیر می‌شوند، کرامت و شان انسانی‌شان تپاه می‌شود و مورد استفاده ابزاری قرار می‌گیرند. دستگاه قضائی چگونه می‌خواهد از راهکارهای نظام حقوقی سنتی استفاده کند و به کلیت چنین نظام تبعیض‌آمیز و نابرابری رسمیت و مشروعیت ببخشد؟ رسمیت‌بخشیدن به فصل و خون‌بس، متضمن مشروعیت‌دادن به ساختار سنتی مدیریت جامعه، نفی ارزش‌های مدرن، احیای نظام شیخوخت و پدرسالاری و قدرت‌گرفتن رؤسای قبایل، طوایف و خوانین و بازسازی مناسبات فئودالی در اجتماعات روستایی و شهری است که تمام اینها با روح دموکراسی و برابری در تضاد است. طرفداران ثبت ملی فصل و خون‌بس چگونه می‌خواهند چنین تضادی را حل کنند؟ واقعیت این است که جسارت طرح «خون‌بس و فصل» به عنوان «اثر فاخر اجتماعی» و «میراث معنوی»، در شرایطی به وقوع می‌پیوندد که خوارانگاری و تحقیر زنان امری عادی و پذیرفته‌شده است و در تصمیماتی که درباره امور جامعه گرفته می‌شود، زنان عموماً نادیده گرفته می‌شوند. وقتی در اداره امور جامعه‌ای، زنان به هیچ گرفته می‌شوند، اینکه تصمیم‌گیری‌های معطوف به حل مشکلات مردانه، چه مصایبی برای زنان ایجاد می‌کنند، محلی از اعراب ندارد و سعی بر این است که مشکلات زنان بی‌اهمیت و فرعی جلوه داده شوند و در عوض حل‌کردن مشکلات مردان به هر قیمتی مشروع و در اولویت جلوه داده شود.
باین‌حال، کسانی که از احیا و ثبت ملی آیین‌های متجربانه فصل و خون‌بس دفاع می‌کنند، با این واقعیت نیز مواجه هستند که زنان امروز، زنان متفعل و سراپاتسلیم قرون گذشته نیستند که دربردارنده تحقیر و تبعیض علیه زنان است، ابزار متناسب با ارزش‌ها، هنجارها و مشکلات اجتماعات سنتی گذشته است و تناسبی با اندیشه‌ها، دغدغه‌ها و مسائل جامعه امروز ندارد. در یک نظام حقوقی مدرن، تمام انسان‌ها با شهروندان، یکسان و دارای حقوق مساوی فرض می‌شوند، اما در نظام حقوقی سنتی که فصل و خون‌بس از راهکارهای آن است، زنان آشکارا

مغفول، دامن‌زدن به سنت‌های رو به زوال، نهمتها به حل مشکلات مردم این مناطق کمک نخواهد کرد، بلکه همچون مانعی در راه توسعه عمل می‌کند و آنها را روی ریل بسرفت اجتماعی و فرهنگی به قهقرا می‌برد.

متوسل‌شدن به نظام حقوقی پیشامدرن و غیاب‌زدایی از رسم «فصل و خون‌بس» شاید از حجم فعالیت دستگاه قضائی بکاهد، اما پس‌سرفت‌هایی را در نظام اجتماعی و فرهنگی جامعه ایجاد خواهد کرد که جبرائش آسان نخواهد بود. «فصل و خون‌بس» به‌عنوان رسمی که دربردارنده تحقیر و تبعیض علیه زنان است، ابزار متناسب با ارزش‌ها، هنجارها و مشکلات اجتماعات سنتی گذشته است و تناسبی با اندیشه‌ها، دغدغه‌ها و مسائل جامعه امروز ندارد. در یک نظام حقوقی مدرن، تمام انسان‌ها با شهروندان، یکسان و دارای حقوق مساوی فرض می‌شوند، اما در نظام حقوقی سنتی که فصل و خون‌بس از راهکارهای آن است، زنان آشکارا

گزارش

سلامت آزمون یا سلامت آزمون‌دهندگان؟

آزمون ارشد است که گویا یک صفحه از برگه آزمون را با خودش به توالث محل آزمون برده و عکسی از آن را برای کسانی بیرون از سالان فرستاده است. اگرچه مسئولان سازمان سنجش به این شبهه هم پاسخ داده‌اند که این تصاویر را به آزمون‌های قدیمی مربوط دانسته‌اند که به‌عنوان آزمون اسمسال جازده شده است.
باین‌حال تعدد سالن را فراهم می‌کند. اسمال به دلیل رعایت پروتکل‌های بهداشتی، خبری از بازرسی بدنی شرکت‌کنندگان نیست و به همین دلیل امکان بردن موبایل به داخل سالن احتمالا فراهم است. چیزی که البته مسئولان سازمان سنجش در مصاحبه‌های خود آن را انکار کردند و گفتند اسمال بازرسی با راکت‌هایی انجام می‌شود که امکان بردن گوشی موبایل به داخل سالن را نمی‌دهد.
باین‌حال فراموش نکرده‌ایم که همین چند هفته پیش و حین برگزاری آزمون دکترا، سیاووش یزدانی، بازیکن استقلال، با موبایلش در سالن امتحان یک استوری در حساب اینستاگرامی‌اش منتشر کرد. این را بگذارید کنار چندین و چند عکس و استوری که در چند هفته اخیر از سالن‌های برگزاری کنکور منتشر شده است. معروف‌ترینش مربوط به یکی از شرکت‌کنندگان فشارهای دیگری را به این گروه وارد آورده است.

چهارشنبه ۲۹ مرداد ۱۳۹۹ • ۲۹ ذی‌الحجه ۱۴۴۱ • ۱۹ آگوست ۲۰۲۰

سال هفدهم • شماره ۳۷۹۶ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۳:۰۸ • اذان مغرب ۲۰:۰۸

اذان صبح فردا ۴:۵۷ • طلوع آفتاب ۶:۲۷

fardashargh@gmail.com

روزنامه‌فرو

نور نوشت

هفته‌نوشت

به بهانه سررسید و یادنوشت جنگ‌ها

از جهانی تا منطقه‌ای

این تابستان صدودومین سالگرد نخستین جنگ جهانی بود. خون‌بارترین و ویران‌گترین جنگی که آدمی تا آن هنگام به چشم خود دیده بود. این نبرد دهشتناک که در گفتار اروپاییان به جنگ بزرگ یا جنگ خندق‌ها مشهور است، در ماه آگوست سال ۱۹۱۴ آغاز و در جولای سال ۱۹۱۸ پایان یافت. جنگ جهان‌گیر اول هم مانند هر پدیده دیگری در سپهر زندگی آدمی دارای زمینه‌ها و بافتارهای گوناگون و همچنین پیامدهای بسیاری بوده است. هر رخدادی را باید در بستر تاریخی ویژه خود و در پیوند با زمانه‌اش ارزیابی کرد. جنگ اول جهانی از نظر گستردگی و فراگیری، آفریننده یا روان‌ساز بسیاری از دگرگونی‌هایی بود که در قرن بیستم پدید آمد. با پیشرفت‌های شکر ف در زمینه صنعت، فناوری و نظامی‌گری تا دگرگونی‌های پیچیده‌ای در بافت اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و حقوقی کشورهای دنیا، کم‌وبیش سراسر سده پیشین را دستخوش دگرگونی کرد. اگر از دریچه واکاوی زمینه‌ها و پدیدارآورنده‌ها به این جنگ بپردازیم، می‌توان انگاره‌های ذهنی، باورها، روان‌شناسی سیاسی، پیش‌بینی‌ها و شیوه ارزیابی رهبران آن دوران را در پیوند با چگونگی سیاست خارجی و پیگیری آرمان‌های‌شان دریافت. این زاویه دید که خود به پدیدآمدن و بافگرفتن علم روابط بین‌الملل و سیاست خارجی در جهان انجامید، دانش‌پژوهی در زمینه مفهوم‌ها، نگره‌ها و فرایندهای تصمیم‌سازی و چرایی گرفتارشدن رهبران سیاسی و نظامی در دام گیر و گره‌های سنجشی و خطا در سیاست‌گذاری را فراهم می‌آورد. آنچه در این نوشتار بررسی می‌کنیم، دو دگرگونی برجسته اجتماعی- فرهنگی و حقوقی است که جنگ جهانی اول اثر بی‌مانندی در پدیدآمدن آنها داشت.

جنبش‌های اجتماعی وتوجه به حقوق زنان

گسترده‌گی و جهان‌گیری جنگ میلیون‌ها مرد جوان را به جبهه‌های نبرد گسیل کرد. بیشتر این مردان از نیروهای فعال جامعه به شمار می‌آمدند که پیش از جنگ در بخش صنعت، کشاورزی و خدمات کار می‌کردند. با برن‌رفت و جابه‌جایی این نیروی کار و هم‌زمانی با افزایش نیاز ماشین جنگی کشورها به فراورده‌های صنعتی، پشتیبانی ابزار زیرساختی و نگهداشتن آن، بایستگی به‌کارگیری زنان در زمینه‌های یادشده، صنعت و خدمات و کشاورزی بیشتر شد. این رخداد به حضور اثرگذار و نوین زنان در جامعه و بر دوش گرفتن نقش‌هایی از سوی آنان شد که تا پیش از این مردانه فرض می‌شد. انجام این نقش به دگرگونی آرام فرهنگ عمومی و دگرگونی دیدگاه و رویکردها به تابوهای پیشین درباره زنان منجر شد. زنان توانسته بودند با سختی‌های فراوان دوران جنگ هم به اداره اقتصاد کشورهای‌شان یاری برسانند و هم در نبود همسران خود،

خانواده را راهبری کنند که اثر چشمگیر و پس‌زایی در بهبود خودباوری و آگاهی آنان به حقوق و بایسته‌های (تکلیف‌ها) خود مانند شهروندانی برابر داشت. در پی این خودآگاهی تاریخی پدیدآمدن جنبش‌های اجتماعی در دهه‌های ۲۰ و ۳۰ میلادی در اروپای غربی رخ دادند که هم به دگرگونی‌هایی به سود حقوق زنان انجامید و هم زمینه‌ساز دگرگونی‌هایی ژرف در رهیافت‌های ادبی، سبک‌های هنری و باورها و مرام‌های اجتماعی و سیاسی شد. نباید فراموش کرد که فروپاشی امپراتوری‌های دیرپای اروپایی در پی جنگ سبب گسترش اندیشه مردم‌سالاری و پدیدارشدن نظام‌های سیاسی بر پایه آن شد که خود افزایش دامنه دگرگونی‌های اجتماعی را شتابان کرد.

توجه به حقوق بین‌الملل ونهادهای جهانی

شمار هولناک کشتار انسان‌ها و نابودی گسترده زیرساخت‌های اقتصادی و صنعتی کشورهای جهان، به پرورش بیشتر این اندیشه انجامید که جنگ را باید به شکل یک استثنا و نه یک اصل در روابط بین‌الملل در نظر گرفت و با گسترش حقوق و نهادهای جهانی زمینه را برای برپایی گفت‌وگو و همکاری در جهان فراهم آورد. اصل‌های ۱۴گانه ویلسون، رئیس جمهوری آمریکا را در کنفرانس صلح ورسای می‌توان اوج این روند به شمار آورد. آنجا که پیشنهاد شکل‌گیری سازمانی جهانی با همه ملت‌های جهان به نام جامعه ملل پذیرفته شد.

توجه به حقوق بین‌الملل، قاعده‌های بایسته بین‌الملل و ایجاد ميثاق‌نامه‌ها و کنوانسیون‌های گوناگون برای نظم‌بخشیدن و ساختارمندکردن پیوندهای میان ملت‌ها از دیگر پیامدهای جنگ اول جهانی است. به سخن دیگر قدرت‌های بزرگ به این نتیجه رسیدند، هنگامی که نمی‌توان رقابت میان ملت‌ها را کامل از میان برد، دست‌کم باید آن را در چارچوب حقوق و نهادهای بین‌المللی قانونمند کرد و خطر درگیری و جنگ را کاهش داد. هرچند جنگ و مرگ و ویرانی برآمده از آن همواره گزنده و دردناک است و یاد و خاطره‌اش همواره تلخی و هراس به همراه دارد؛ ولی چنان‌که هر رویدادی در صنعت هوانوردی به پیشگیری از بی‌شمار رخداد دیگر و پاسداری از جان هزاران آدمی می‌انجامد یا هر بیماری نوپدید با گوشه‌ودشدن افق‌های نوینی در دانش پزشکی همراه است، جنگ هم با پیامدهای ناخواسته‌ای که به همراه می‌آورد، می‌تواند زمینه بسیاری از دگرگونی‌های سازنده و ماندگار را در تاریخ فراهم کند. به‌راستی بهتر است تا با پرهیز از شواوشدن در اندیشه‌های خیال‌پردازانه و ایدئال‌گرایانه، جنگ را هم یک پدیده ناگزیر برآمده از ویژگی‌های آدمیان بدانیم و هم‌زمان با تالاشی خستگی‌ناپذیر برای کاهش شمار و مهار گسترده‌گی آن، نکوشیم که از تهدید جنگ هم فرصت‌هایی برای پیشبرد بالندگی سازنده اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی پدید آوریم. پیامد جنگ‌ها تنها ویرانه‌ها و زخم‌ها نیست؛ بلکه می‌تواند به استواری نسلی باورمند به زندگی و آموزه‌های پایدار بینجامد.

تجاوز به همسر یا «تجاوز زناشویی»، عمل جنسی مرد با همسر خود بدون رضایت اوست. از دهه ۹۰ میلادی به این سو در بسیاری از کشورهای اروپایی از جمله فرانسه، آلمان و هلند این عمل جرم تلقی شد. در ایران با توجه به اینکه در تعریف قانونی «زنا عبارت است از رابطه مرد با زنی که علقه زوجیت بین آنها نبوده»، موضوع تجاوز به همسر اساسا منتفی است. به نظر می‌رسد با توجه به احکام قصاص و دیات، در صورتی که مرد حین رابطه جنسی صدمه جسمی عدوی یا غیرعمدی به همسر خود وارد کند، بنا بر قاعده قابل تعقیب کیفری بوده و بسته به مورد محکوم به قصاص یا پرداخت دیه می‌شود.

به جهت عدم ارتکاب تجاوز در انظار عمومی، به‌طور معمول شروع رسیدگی با شکایت قربانی آغاز می‌شود اما به دلیل جنبه عمومی و اهمیت آن، ادامه تعقیب کیفری با دخالت دادستان است و با صرف قضی شاکی دادرسی کیفری متوقف نمی‌شود. پس از طرح شکایت، پرونده به طور مستقیم در دادگاه طرح و مرحله تحقیقات مقدماتی را نیز دادگاه به جای دادسرا بر عهده می‌گیرد. به دلیل اهمیت جرم و شدت مجازات، «دادگاه کیفری یک» که با حضور سه قاضی در مراکز رست استان تشکیل می‌شود به پرونده تجاوز جنسی رسیدگی می‌کند. نکته مهم در این خصوص نحوه اثبات جرم با توجه به علنی‌نبودن آن است. مطابق قانون آیین دادرسی کیفری، انجام هرگونه تعقیب و تحقیق در جرائم منافی عفت ممنوع است و پرسش از هیچ فردی در این خصوص مجاز نیست، مگر در موارد احتمال ارتکاب با غنف، عام واقع شده یا دارای شاکی یا به‌عنف یا سازمان‌یافته باشد. همچنین در قانون مجازات اسلامی درخصوص جرائم منافی عفت، در صورت نبود ادله و انکار متهم، هرگونه تحقیق و بازجویی جهت کشف امور پنهان ممنوع است مگر در موارد احتمال ارتکاب با غنف، اکراه، آزار، رایش یا اغفال شاکی.

بیشتر قربانیان جنسی به خاطر ترس از آبرو از افشا و پیگیری قضائی خودداری می‌کنند. هرچند در کشور ما نیز فضای مذهبی و اخلاقی حاکم و قبح عمل، مانع راه‌افتادن پوشش و هشتگ‌های افشاگرانه مانند دنیای غرب است، اما در ماده ۶۶ قانون جدید آیین دادرسی کیفری که از سال ۱۳۹۴ اجرا می‌شود، سازمان‌های مردم‌نهادی که اساسنامه آنها در زمینه حمایت از اطفال و نوجوانان، زنان و حمایت از حقوق شهروندی است می‌توانند نسبت به جرائم ارتکابی در زمینه‌های فوق اعلام جرم و در تمام مراحل دادرسی شرکت کنند.

حق‌بان

ابعاد حقوقی تجاوز جنسی



ابراهیم ایوبی وکیل دادگستری

● تعریف ساده تجاوز، رابطه جنسی با فرد بدون رضایت اوست. همه ادیان و نظام‌های حقوقی این رفتار را مذموم تلقی و جرم‌انگاری کرده‌اند. در ایران پس از مشروطیت و شکل‌گیری حقوق مدرن، اولین قانون کیفری تحت عنوان «قانون مجازات عمومی» در سال ۱۳۰۴ به تصویب مجلس شورای ملی رسید. در باب سوم این قانون که تحت عنوان «جنبه و جنایت نسبت به افراد» نام‌گذاری شده بود، فصلی به نام «هتک ناموس و منافیات عصمت» قرار داشت. در ماده ۲۰۷ قانون مجازات عمومی آمده بود: «مرتکب لواط و زناى محصنه و زناى با محارم نسبی و زناى به‌غنف در صورتی که جنایت مطابق مقررات شرعیه ثابت شود اعدام می‌گردد والا در محاکم عمومی محاکمه و مطابق مواد ذیل مجازات خواهد شد».

پس از انقلاب اولین قانون در زمینه تجاوز جنسی، «قانون حدود و قصاص» مصوب ۱۳۶۱ بود که تا تصویب «قانون مجازات اسلامی» در سال ۱۳۹۲ اعتبار داشت. در قانون جدید تغییراتی در جرائم جنسی مشاهده می‌شود، اما مجازات تجاوز جنسی بدون تغییر مانده است. ماده ۲۲۴ حدّ زنا را در چهار مورد مستحق اعدام می‌داند که یکی از موارد آن عبارت از «زناى به‌عنف یا اگره از سوی زانی که موجب اعدام زانی است». قانون‌گذار بین اکراه و غُنف (اجبار) تفکیک قائل شده است. اجبار یا غُنف، مسلوب‌الاراده‌شدن قربانی تجاوز است، اما در اکراه شخص فاقد اراده نیست. در ماده ۲۰۲ قانون مدنی اکراه تعریف شده است: «اکراه به اعمالی حاصل می‌شود که مؤثر در شخص باشعوری بوده و او را نسبت به جان یا مال یا آبروی خود تهدید کند به نحوی که عادتاً قابل تحمل نباشد. در مورد اعمال اکراه‌آمیز سنن و شخصیت و اخلاق و مرد یا زن بودن شخص باید در نظر گرفته شود». در واقع در اکراه، زه‌دیده تحت تأثیر تهدید و بنا بر ملاحظاتی و خلاف میل قلبی تن به عمل متجاوزانه می‌دهد. همچنین قربانی می‌تواند به عنوان خسارات از متجاوز ارش و مهرالمثل مطالبه کند.

تجاوز به همسر یا «تجاوز زناشویی»، عمل جنسی مرد با همسر خود بدون رضایت اوست. از دهه ۹۰ میلادی به این سو در بسیاری از کشورهای اروپایی از جمله فرانسه، آلمان و هلند این عمل جرم تلقی شد. در ایران با توجه به اینکه در تعریف قانونی «زنا عبارت است از رابطه مرد با زنی که علقه زوجیت بین آنها نبوده»، موضوع تجاوز به همسر اساسا منتفی است. به نظر می‌رسد با توجه به احکام قصاص و دیات، در صورتی که مرد حین رابطه جنسی صدمه جسمی عدوی یا غیرعمدی به همسر خود وارد کند، بنا بر قاعده قابل تعقیب کیفری بوده و بسته به مورد محکوم به قصاص یا پرداخت دیه می‌شود.

به جهت عدم ارتکاب تجاوز در انظار عمومی، به‌طور معمول شروع رسیدگی با شکایت قربانی آغاز می‌شود اما به دلیل جنبه عمومی و اهمیت آن، ادامه تعقیب کیفری با دخالت دادستان است و با صرف قضی شاکی دادرسی کیفری متوقف نمی‌شود. پس از طرح شکایت، پرونده به طور مستقیم در دادگاه طرح و مرحله تحقیقات مقدماتی را نیز دادگاه به جای دادسرا بر عهده می‌گیرد. به دلیل اهمیت جرم و شدت مجازات، «دادگاه کیفری یک» که با حضور سه قاضی در مراکز رست استان تشکیل می‌شود به پرونده تجاوز جنسی رسیدگی می‌کند. نکته مهم در این خصوص نحوه اثبات جرم با توجه به علنی‌نبودن آن است. مطابق قانون آیین دادرسی کیفری، انجام هرگونه تعقیب و تحقیق در جرائم منافی عفت ممنوع است و پرسش از هیچ فردی در این خصوص مجاز نیست، مگر در موارد احتمال ارتکاب با غنف، عام واقع شده یا دارای شاکی یا به‌عنف یا سازمان‌یافته باشد. همچنین در قانون مجازات اسلامی درخصوص جرائم منافی عفت، در صورت نبود ادله و انکار متهم، هرگونه تحقیق و بازجویی جهت کشف امور پنهان ممنوع است مگر در موارد احتمال ارتکاب با غنف، اکراه، آزار، رایش یا اغفال شاکی.

بیشتر قربانیان جنسی به خاطر ترس از آبرو از افشا و پیگیری قضائی خودداری می‌کنند. هرچند در کشور ما نیز فضای مذهبی و اخلاقی حاکم و قبح عمل، مانع راه‌افتادن پوشش و هشتگ‌های افشاگرانه مانند دنیای غرب است، اما در ماده ۶۶ قانون جدید آیین دادرسی کیفری که از سال ۱۳۹۴ اجرا می‌شود، سازمان‌های مردم‌نهادی که اساسنامه آنها در زمینه حمایت از اطفال و نوجوانان، زنان و حمایت از حقوق شهروندی است می‌توانند نسبت به جرائم ارتکابی در زمینه‌های فوق اعلام جرم و در تمام مراحل دادرسی شرکت کنند.

هفته‌نوشت

به بهانه سررسید و یادنوشت جنگ‌ها

از جهانی تا منطقه‌ای

این تابستان صدودومین سالگرد نخستین جنگ جهانی بود. خون‌بارترین و ویران‌گترین جنگی که آدمی تا آن هنگام به چشم خود دیده بود. این نبرد دهشتناک که در گفتار اروپاییان به جنگ بزرگ یا جنگ خندق‌ها مشهور است، در ماه آگوست سال ۱۹۱۴ آغاز و در جولای سال ۱۹۱۸ پایان یافت. جنگ جهان‌گیر اول هم مانند هر پدیده دیگری در سپهر زندگی آدمی دارای زمینه‌ها و بافتارهای گوناگون و همچنین پیامدهای بسیاری بوده است. هر رخدادی را باید در بستر تاریخی ویژه خود و در پیوند با زمانه‌اش ارزیابی کرد. جنگ اول جهانی از نظر گستردگی و فراگیری، آفریننده یا روان‌ساز بسیاری از دگرگونی‌هایی بود که در قرن بیستم پدید آمد. با پیشرفت‌های شکر ف در زمینه صنعت، فناوری و نظامی‌گری تا دگرگونی‌های پیچیده‌ای در بافت اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و حقوقی کشورهای دنیا، کم‌وبیش سراسر سده پیشین را دستخوش دگرگونی کرد. اگر از دریچه واکاوی زمینه‌ها و پدیدارآورنده‌ها به این جنگ بپردازیم، می‌توان انگاره‌های ذهنی، باورها، روان‌شناسی سیاسی، پیش‌بینی‌ها و شیوه ارزیابی رهبران آن دوران را در پیوند با چگونگی سیاست خارجی و پیگیری آرمان‌های‌شان دریافت. این زاویه دید که خود به پدیدآمدن و بافگرفتن علم روابط بین‌الملل و سیاست خارجی در جهان انجامید، دانش‌پژوهی در زمینه مفهوم‌ها، نگره‌ها و فرایندهای تصمیم‌سازی و چرایی گرفتارشدن رهبران سیاسی و نظامی در دام گیر و گره‌های سنجشی و خطا در سیاست‌گذاری را فراهم می‌آورد. آنچه در این نوشتار بررسی می‌کنیم، دو دگرگونی برجسته اجتماعی- فرهنگی و حقوقی است که جنگ جهانی اول اثر بی‌مانندی در پدیدآمدن آنها داشت.

جنبش‌های اجتماعی وتوجه به حقوق زنان

گسترده‌گی و جهان‌گیری جنگ میلیون‌ها مرد جوان را به جبهه‌های نبرد گسیل کرد. بیشتر این مردان از نیروهای فعال جامعه به شمار می‌آمدند که پیش از جنگ در بخش صنعت، کشاورزی و خدمات کار می‌کردند. با برن‌رفت و جابه‌جایی این نیروی کار و هم‌زمانی با افزایش نیاز ماشین جنگی کشورها به فراورده‌های صنعتی، پشتیبانی ابزار زیرساختی و نگهداشتن آن، بایستگی به‌کارگیری زنان در زمینه‌های یادشده، صنعت و خدمات و کشاورزی بیشتر شد. این رخداد به حضور اثرگذار و نوین زنان در جامعه و بر دوش گرفتن نقش‌هایی از سوی آنان شد که تا پیش از این مردانه فرض می‌شد. انجام این نقش به دگرگونی آرام فرهنگ عمومی و دگرگونی دیدگاه و رویکردها به تابوهای پیشین درباره زنان منجر شد. زنان توانسته بودند با سختی‌های فراوان دوران جنگ هم به اداره اقتصاد کشورهای‌شان یاری برسانند و هم در نبود همسران خود،

خانواده را راهبری کنند که اثر چشمگیر و پس‌زایی در بهبود خودباوری و آگاهی آنان به حقوق و بایسته‌های (تکلیف‌ها) خود مانند شهروندانی برابر داشت. در پی این خودآگاهی تاریخی پدیدآمدن جنبش‌های اجتماعی در دهه‌های ۲۰ و ۳۰ میلادی در اروپای غربی رخ دادند که هم به دگرگونی‌هایی به سود حقوق زنان انجامید و هم زمینه‌ساز دگرگونی‌هایی ژرف در رهیافت‌های ادبی، سبک‌های هنری و باورها و مرام‌های اجتماعی و سیاسی شد. نباید فراموش کرد که فروپاشی امپراتوری‌های دیرپای اروپایی در پی جنگ سبب گسترش اندیشه مردم‌سالاری و پدیدارشدن نظام‌های سیاسی بر پایه آن شد که خود افزایش دامنه دگرگونی‌های اجتماعی را شتابان کرد.

توجه به حقوق بین‌الملل ونهادهای جهانی

شمار هولناک کشتار انسان‌ها و نابودی گسترده زیرساخت‌های اقتصادی و صنعتی کشورهای جهان، به پرورش بیشتر این اندیشه انجامید که جنگ را باید به شکل یک استثنا و نه یک اصل در روابط بین‌الملل در نظر گرفت و با گسترش حقوق و نهادهای جهانی زمینه را برای برپایی گفت‌وگو و همکاری در جهان فراهم آورد. اصل‌های ۱۴گانه ویلسون، رئیس جمهوری آمریکا را در کنفرانس صلح ورسای می‌توان اوج این روند به شمار آورد. آنجا که پیشنهاد شکل‌گیری سازمانی جهانی با همه ملت‌های جهان به نام جامعه ملل پذیرفته شد.

توجه به حقوق بین‌الملل، قاعده‌های بایسته بین‌الملل و ایجاد ميثاق‌نامه‌ها و کنوانسیون‌های گوناگون برای نظم‌بخشیدن و ساختارمندکردن پیوندهای میان ملت‌ها از دیگر پیامدهای جنگ اول جهانی است. به سخن دیگر قدرت‌های بزرگ به این نتیجه رسیدند، هنگامی که نمی‌توان رقابت میان ملت‌ها را کامل از میان برد، دست‌کم باید آن را در چارچوب حقوق و نهادهای بین‌المللی قانونمند کرد و خطر درگیری و جنگ را کاهش داد. هرچند جنگ و مرگ و ویرانی برآمده از آن همواره گزنده و دردناک است و یاد و خاطره‌اش همواره تلخی و هراس به همراه دارد؛ ولی چنان‌که هر رویدادی در صنعت هوانوردی به پیشگیری از بی‌شمار رخداد دیگر و پاسداری از جان هزاران آدمی می‌انجامد یا هر بیماری نوپدید با گوشه‌ودشدن افق‌های نوینی در دانش پزشکی همراه است، جنگ هم با پیامدهای ناخواسته‌ای که به همراه می‌آورد، می‌تواند زمینه بسیاری از دگرگونی‌های سازنده و ماندگار را در تاریخ فراهم کند. به‌راستی بهتر است تا با پرهیز از شواوشدن در اندیشه‌های خیال‌پردازانه و ایدئال‌گرایانه، جنگ را هم یک پدیده ناگزیر برآمده از ویژگی‌های آدمیان بدانیم و هم‌زمان با تالاشی خستگی‌ناپذیر برای کاهش شمار و مهار گسترده‌گی آن، نکوشیم که از تهدید جنگ هم فرصت‌هایی برای پیشبرد بالندگی سازنده اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی پدید آوریم. پیامد جنگ‌ها تنها ویرانه‌ها و زخم‌ها نیست؛ بلکه می‌تواند به استواری نسلی باورمند به زندگی و آموزه‌های پایدار بینجامد.

تجاوز به همسر یا «تجاوز زناشویی»، عمل جنسی مرد با همسر خود بدون رضایت اوست. از دهه ۹۰ میلادی به این سو در بسیاری از کشورهای اروپایی از جمله فرانسه، آلمان و هلند این عمل جرم تلقی شد. در ایران با توجه به اینکه در تعریف قانونی «زنا عبارت است از رابطه مرد با زنی که علقه زوجیت بین آنها نبوده»، موضوع تجاوز به همسر اساسا منتفی است. به نظر می‌رسد با توجه به احکام قصاص و دیات، در صورتی که مرد حین رابطه جنسی صدمه جسمی عدوی یا غیرعمدی به همسر خود وارد کند، بنا بر قاعده قابل تعقیب کیفری بوده و بسته به مورد محکوم به قصاص یا پرداخت دیه می‌شود.

به جهت عدم ارتکاب تجاوز در انظار عمومی، به‌طور معمول شروع رسیدگی با شکایت قربانی آغاز می‌شود اما به دلیل جنبه عمومی و اهمیت آن، ادامه تعقیب کیفری با دخالت دادستان است و با صرف قضی شاکی دادرسی کیفری متوقف نمی‌شود. پس از طرح شکایت، پرونده به طور مستقیم در دادگاه طرح و مرحله تحقیقات مقدماتی را نیز دادگاه به جای دادسرا بر عهده می‌گیرد. به دلیل اهمیت جرم و شدت مجازات، «دادگاه کیفری یک» که با حضور سه قاضی در مراکز رست استان تشکیل می‌شود به پرونده تجاوز جنسی رسیدگی می‌کند. نکته مهم در این خصوص نحوه اثبات جرم با توجه به علنی‌نبودن آن است. مطابق قانون آیین دادرسی کیفری، انجام هرگونه تعقیب و تحقیق در جرائم منافی عفت ممنوع است و پرسش از هیچ فردی در این خصوص مجاز نیست، مگر در موارد احتمال ارتکاب با غنف، عام واقع شده یا دارای شاکی یا به‌عنف یا سازمان‌یافته باشد. همچنین در قانون مجازات اسلامی درخصوص جرائم منافی عفت، در صورت نبود ادله و انکار متهم، هرگونه تحقیق و بازجویی جهت کشف امور پنهان ممنوع است مگر در موارد احتمال ارتکاب با غنف، اکراه، آزار، رایش یا اغفال شاکی.

بیشتر قربانیان جنسی به خاطر ترس از آبرو از افشا و پیگیری قضائی خودداری می‌کنند. هرچند در کشور ما نیز فضای مذهبی و اخلاقی حاکم و قبح عمل، مانع راه‌افتادن پوشش و هشتگ‌های افشاگرانه مانند دنیای غرب است، اما در ماده ۶۶ قانون جدید آیین دادرسی کیفری که از سال ۱۳۹۴ اجرا می‌شود، سازمان‌های مردم‌نهادی که اساسنامه آنها در زمینه حمایت از اطفال و نوجوانان، زنان و حمایت از حقوق شهروندی است می‌توانند نسبت به جرائم ارتکابی در زمینه‌های فوق اعلام جرم و در تمام مراحل دادرسی شرکت کنند.

هفته‌نوشت

به بهانه سررسید و یادنوشت جنگ‌ها

از جهانی تا منطقه‌ای

این تابستان صدودومین سالگرد نخستین جنگ جهانی بود. خون‌بارترین و ویران‌گترین جنگی که آدمی تا آن هنگام به چشم خود دیده بود. این نبرد دهشتناک که در گفتار اروپاییان به جنگ بزرگ یا جنگ خندق‌ها مشهور است، در ماه آگوست سال ۱۹۱۴ آغاز و در جولای سال ۱۹۱۸ پایان یافت. جنگ جهان‌گیر اول هم مانند هر پدیده دیگری در سپهر زندگی آدمی دارای زمینه‌ها و بافتارهای گوناگون و همچنین پیامدهای بسیاری بوده است. هر رخدادی را باید در بستر تاریخی ویژه خود و در پیوند با زمانه‌اش ارزیابی کرد. جنگ اول جهانی از نظر گستردگی و فراگیری، آفریننده یا روان‌ساز بسیاری از دگرگونی‌هایی بود که در قرن بیستم پدید آمد. با پیشرفت‌های شکر ف در زمینه صنعت، فناوری و نظامی‌گری تا دگرگونی‌های پیچیده‌ای در بافت اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و حقوقی کشورهای دنیا، کم‌وبیش سراسر سده پیشین را دستخوش دگرگونی کرد. اگر از دریچه واکاوی زمینه‌ها و پدیدارآورنده‌ها به این جنگ بپردازیم، می‌توان انگاره‌های ذهنی، باورها، روان‌شناسی سیاسی، پیش‌بینی‌ها و شیوه ارزیابی رهبران آن دوران را در پیوند با چگونگی سیاست خارجی و پیگیری آرمان‌های‌شان دریافت. این زاویه دید که خود به پدیدآمدن و بافگرفتن علم روابط بین‌الملل و سیاست خارجی در جهان انجامید، دانش‌پژوهی در زمینه مفهوم‌ها، نگره‌ها و فرایندهای تصمیم‌سازی و چرایی گرفتارشدن رهبران سیاسی و نظامی در دام گیر و گره‌های سنجشی و خطا در سیاست‌گذاری را فراهم می‌آورد. آنچه در این نوشتار بررسی می‌کنیم، دو دگرگونی برجسته اجتماعی- فرهنگی و حقوقی است که جنگ جهانی اول اثر بی‌مانندی در پدیدآمدن آنها داشت.

جنبش‌های اجتماعی وتوجه به حقوق زنان

گسترده‌گی و جهان‌گیری جنگ میلیون‌ها مرد جوان را به جبهه‌های نبرد گسیل کرد. بیشتر این مردان از نیروهای فعال جامعه به شمار می‌آمدند که پیش از جنگ در بخش صنعت، کشاورزی و خدمات کار می‌کردند. با برن‌رفت و جابه‌جایی این نیروی کار و هم‌زمانی با افزایش نیاز ماشین جنگی کشورها به فراورده‌های صنعتی، پشتیبانی ابزار زیرساختی و نگهداشتن آن، بایستگی به‌کارگیری زنان در زمینه‌های یادشده، صنعت و خدمات و کشاورزی بیشتر شد. این رخداد به حضور اثرگذار و نوین زنان در جامعه و بر دوش گرفتن نقش‌هایی از سوی آنان شد که تا پیش از این مردانه فرض می‌شد. انجام این نقش به دگرگونی آرام فرهنگ عمومی و دگرگونی دیدگاه و رویکردها به تابوهای پیشین درباره زنان منجر شد. زنان توانسته بودند با سختی‌های فراوان دوران جنگ هم به اداره اقتصاد کشورهای‌شان یاری برسانند و هم در نبود همسران خود،

خانواده را راهبری کنند که اثر چشمگیر و پس‌زایی در بهبود خودباوری و آگاهی آنان به حقوق و بایسته‌های (تکلیف‌ها) خود مانند شهروندانی برابر داشت. در پی این خودآگاهی تاریخی پدیدآمدن جنبش‌های اجتماعی در دهه‌های ۲۰ و ۳۰ میلادی در اروپای غربی رخ دادند که هم به دگرگونی‌هایی به سود حقوق زنان انجامید و هم زمینه‌ساز دگرگونی‌هایی ژرف در رهیافت‌های ادبی، سبک‌های هنری و باورها و مرام‌های اجتماعی و سیاسی شد. نباید فراموش کرد که فروپاشی امپراتوری‌های دیرپای اروپایی در پی جنگ سبب گسترش اندیشه مردم‌سالاری و پدیدارشدن نظام‌های سیاسی بر پایه آن شد که خود افزایش دامنه دگرگونی‌های اجتماعی را شتابان کرد.

خودمان، و دیگر هیچ

رستوران و تاج گل به فلان تعداد غصه‌مان می‌گیرد وگرنه مرحوم ازدست‌رفته که دیگر هیچ‌کدام از این کارها برایش فرقی نمی‌کند و جای خالی‌اش هم با این چیزها پر نمی‌شود. با زمانی که بابت تعقیب وقفه در تحصیل بچه‌هایمان و وضعیت امتحان و نمره دروسشان در شرایط آموزش مجازی حرص و جوش می‌خوریم، در اساس نگرانی‌مان برای عقب‌ماندن بچه‌ها از آن مسابقه بزرگی است که سال‌هاست با نمره و معدل و رتبه برایشان درست کرده‌ایم وگرنه خودمان بهتر می‌دانیم‌که در طول زندگی نه کسی نمره ریاضی سال هفتم مدرسه را از کسی می‌پرسد و نه مدرس تحصیلی کسی تضمین موفقیت و خوشبختی‌اش در زندگی است. آنهایی هم که از بالا و پایین شدن بورس بهو ضربان قلبشان چند ریستر جابه‌جا می‌شود، اغلب همان کسانی هستند که هم یک خانه برای سکونت دارند و هم یک ماشین برای رفت‌وآمد و هم درآمدی برای گذران زندگی و نگرانی‌شان برای آن آینده قابل‌مطمئن نیستند. یعنی اگر خط معلوم می‌شود آنچه در این میلیون سال تغییری نکرده، میزان غرزدن بشر نازنین و شاکی‌بودنش از زمین و آسمان و هم‌نوع است. ما گرچه متفخریم که با سلاح علم بسیاری از ناشناخته‌ها را کشف کرده‌ایم و با پوزخند به نیاکمان نگاه می‌کنیم که پشت هر اتفاقی یک روح شریر و افسانه ماورایی می‌دیدند، اما به نظر می‌آید بیشتر از آنها احساس ناامنی و اضطراب و خودمان را گرفته و بیشتر بهانه‌جو شده‌ایم. خیلی هم که می‌خواهیم به نگرانی‌ها و دغدغه‌هایمان شکل فرهیخته‌طور بدهیم، از نابودشدن محیط زیست و فلان گونه جانوری می‌گویم و پشت‌بندش آهی می‌کشیم. ولی حقیقت این است که طبیعت و حیوانات اغلب از پس زیست خودشان برآمده‌اند و هروقت هم بشر دنیا عرصه را بر آنها تنگ کرده، به شکلی از او زهر چشم گرفته‌اند، یعنی نگرانی‌ها می بیشتر مربوط به خودمان است و النگ و دولنگی که برای زندگی محدود خودمان ساخته‌ایم. برای نمونه وقتی ناراحتیم که این کرونا یی‌اصل‌ونسب حتی نمی‌گذارد یک مراسم ختم برای درگذشتگانمان بگیریم، بیشتر برای ازدست‌دادن آن فرصت نمایشیِ ختم در فلان مسجد و ناهار در فلان



گیتی مفرزاده

آدمیزاد از زمان که به شکل امروزی‌اش (منظورم ایستاده روی دو پا با مقدار موجهی مغز در جمجمه) زندگی روی کره زمین را شروع کرده، همیشه به بالا یا مشکلات متفاوتی دست و پنجه نرم کرده است. خوبی‌اش این است که روز به روز ابزار و امکاناتش برای مقابله با مشکلات بیشتر شده، یعنی اگر قبلا یک نیرز داشت و پوششی از پوست گاو میش برای مقابله با سیل و توفان و حمله حیوانات وحشی، حالا داخل خانه‌اش لم می‌دهد، لایو برقیقه پخت نان خانگی پخش می‌کند و هزارچندگاهی در گروه خانوادگی بیغام می‌گذارد که این دانشمندان چقدر ساخت واکسن را لغت می‌دهند. از همین چند خط معلوم می‌شود آنچه در این میلیون سال تغییری نکرده، میزان غرزدن بشر نازنین و شاکی‌بودنش از زمین و آسمان و هم‌نوع است. ما گرچه متفخریم که با سلاح علم بسیاری از ناشناخته‌ها را کشف کرده‌ایم و با پوزخند به نیاکمان نگاه می‌کنیم که پشت هر اتفاقی یک روح شریر و افسانه ماورایی می‌دیدند، اما به نظر می‌آید بیشتر از آنها احساس ناامنی و اضطراب و خودمان را گرفته و بیشتر بهانه‌جو شده‌ایم. خیلی هم که می‌خواهیم به نگرانی‌ها و دغدغه‌هایمان شکل فرهیخته‌طور بدهیم، از نابودشدن محیط زیست و فلان گونه جانوری می‌گویم و پشت‌بندش آهی می‌کشیم. ولی حقیقت این است که طبیعت و حیوانات اغلب از پس زیست خودشان برآمده‌اند و هروقت هم بشر دنیا عرصه را بر آنها تنگ کرده، به شکلی از او زهر چشم گرفته‌اند، یعنی نگرانی‌ها می بیشتر مربوط به خودمان است و النگ و دولنگی که برای زندگی محدود خودمان ساخته‌ایم. برای نمونه وقتی ناراحتیم که این کرونا یی‌اصل‌ونسب حتی نمی‌گذارد یک مراسم ختم برای درگذشتگانمان بگیریم، بیشتر برای ازدست‌دادن آن فرصت نمایشیِ ختم در فلان مسجد و ناهار در فلان